

---

## تحفة الإخوان

ملا محمد سعيد واعظ مرندی (قرن ۱۱ق)

---

تحقیق: علی صدرایی خویی

تحفة الإخوان، عنوان اثری است که در چند کتاب، از آن یاد شده و مطالبی آورده شده است. مؤلف ریاض العلماء، در شرح حال شیخ عبد الله بن سعید بن متّوج، چنین می نویسد:

وقال المولى محمد سعيد مرندي في كتاب تحفة الإخوان، بالفارسية، في ترجمة هذا الشيخ ما معناه...<sup>۱</sup>

و شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة، درباره این کتاب، چنین نوشته:  
تحفة الإخوان، الفارسی، للمولى محمد سعيد المرندي، ينقل عنه في الرياض في ترجمة الشيخ عبد الله بن سعید بن المتّوج البحراني بما لفظه: قال المولى محمد سعيد المرندي في كتاب تحفة الإخوان، بالفارسية، في ترجمة هذا الشيخ ما معناه أنه كان عالماً بالعلوم العربية، و ذكر المنقول عنه في الروضات في ترجمة الشيخ أحمد بن الشيخ عبد الله بن المتّوج. قال: و قد نقل عن المولى سعيد المرندي في كتاب تحفة الإخوان.<sup>۲</sup>

و خوانساری در روضات الجنات، در شرح حال شیخ احمد بن عبد الله بن سعید بن متّوج، چنین گوید:

وقد نقل عن المولى سعيد المرندي في كتاب تحفة الإخوان، نسبة رسالة الناسخ و المنسوخ و كتاب النهاية المذكورين في طي مصنفات صاحب العنوان إلى والده الشيخ عبد الله بن سعید

---

۱. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۴۱۵ (الرقم ۲۲۰).

۲. الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۳، ص ۴۱۵ (الرقم ۱۴۹۰).

### المعرّف هو أيضاً باین المتوّج...<sup>۱</sup>

این نقل‌ها موجب شده کسانی که به اصل کتاب دسترس ندارند، قضاوتشان درباره آن، متفاوت باشد. نگارنده، به دو نسخه از آن دسترسی یافت و قصد انتشار آن را داشت؛ ولی پس از بررسی و مطالعه آن، متوجه گردید که مطالب چندان مهمی در آن به چشم نمی‌خورد. لذا از انتشار آن، منصرف گردید و به معرفی آن اکتفا نمود، تا آنان که امکان دستیابی به نسخ کتاب را ندارند، از محتوای آن باخبر باشند.

واعظ مرندی، به اقتضای حرفه‌اش - که وعظ بوده - بنا گذاشته که رساله‌ای برای عموم مسلمانان بنویسد تا با مراجعه به آن، از احکام ضروری، آگاهی یابند. او بر این اساس، تألیف این رساله را می‌گذارد.

### مؤلف کتاب

نام مؤلف، محمد سعید واعظ مرندی از عالمان سده یازدهم هجری است و از شرح حال وی، جز از این کتاب و مطالبی که از آن، درباره وی به دست می‌آید، چیز دیگری در دست نیست.

او خود را در مقدمه «محمد سعید واعظ مرندی» معرفی می‌کند که از آن معلوم می‌شود از خطبای عصر خویش بوده و به «واعظ» شهرت داشته است و از نسبت «مرندی»، معلوم می‌شود که اهل مرند، از شهرهای آذربایجان شرقی است.

او در رساله‌اش شرح حال میرداماد (م ۱۰۴۱ق) و شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ق) را آورده و در شرح حال شیخ بهایی ذکر می‌کند که فتوهای زیادی از وی هم اکنون در سر زبان هاست. از این عبارت، به دست می‌آید که تاریخ تألیف رساله نباید خیلی بعد از وفات شیخ بهایی باشد. لذا به احتمال زیاد، تألیف این رساله، در بین سال‌های ۱۰۴۲ تا ۱۰۵۰ق، صورت گرفته است.

## محتوای رساله

مرندی، رساله‌اش را در یک مقدمه و سه فایده و یک خاتمه قرار داده است. که تفصیل مطالب آن چنین است:

مقدمه: مؤلف در مقدمه، عنوان می‌کند که مسلمان یا باید به احکام و مسائل دینی آشنا باشد یا این که به مجتهد مراجعه نماید.

«فایدهٔ اول: در بیان دانستن حدیث صحیح، حسن، موثق، ضعیف و مرسل. مؤلف، در این فایده، پس از ذکر مطلبی دربارهٔ علت اختلاف احادیث که از کتاب تنقیح الرائع فاضل مقداد سیوری نقل می‌کند، به تعریف مختصر اصطلاحات حدیثی: صحیح و حسن و موثق و ضعیف و مرسل می‌پردازد. وجود تعاریف مذکور در اول این کتاب، موجب شده که عده‌ای، موضوع آن را «درایه» ذکر کنند.

فایدهٔ دوم: در معرفت مجتهدین و راسخین در علم و اسامی ایشان و کتاب‌های معتبر از مصنوعات ایشان.

در این فایده: در قسم اول، مؤلف، بیست نفر از مجتهدان متقدم شیعه و بیست نفر از دانشمندان متأخر تا عصر خودش را معرفی کرده است. مرندی در این بخش، اشتباهات فاحشی در ذکر آثار دانشمندان، مرتکب شده است. این گونه خطاها، این رساله را از اعتبار، ساقط می‌کند. او از معاصران خود، میرداماد و شیخ بهایی را ذکر نموده و از آن جا که تاریخ وفات میرداماد را آورده است، معلوم می‌شود که تاریخ تألیف کتاب او پس از این تاریخ بوده است.

دانشمندانی که مؤلف، شرح حال آنان را در این قسم آورده به شرح زیر است:

مقدمان: (۱) یونس بن عبد الرحمان، (۲) فضل بن شاذان، (۳) علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، (۴) محمد بن یعقوب کلینی، (۵) ابن بابویه قمی، (۶) شیخ صدوق، (۷) شیخ مفید، (۸) حسن بن عقیل بن محمد عمّانی، (۹) سید مرتضی، (۱۰) سید رضی، (۱۱) شیخ ابو علی سلّار بن عبد العزیز دیلمی، (۱۲) شیخ طوسی، (۱۳) شیخ اسماعیل بن

علی بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت، (۱۴) شیخ عبد العزیز بن بزّاج، (۱۵) قطب الدین راوندی، (۱۶) شیخ ابو الصلاح حلبی، (۱۷) ابن حمزه، (۱۸) سید بن زهره، (۱۹) شیخ ابو علی طبرسی، (۲۰) محمّد بن علی بن ادريس حلی.

متأخران: (۱) علی بن عیسیٰ اربلی، صاحب کشف الثّمّة، (۲) محمّد بن نما حلی، (۳) ابن طاووس احمد بن موسی، (۴) ابن طاووس رضی الدین علی بن موسی، (۵) محقق حلی، صاحب شراعی، (۶) نجیب الدین محمّد بن یحییٰ بن سعید حلی، (۷) علامه حلی، (۸) عمید الدین ابن اعرج حلی، (۹) شیخ محمّد بن یوسف بن علی بن مطهر حلی، (۱۰) شهید اول، (۱۱) خواجه نصیر الدین طوسی، (۱۲) ابن متّوّج عبد الله بن سعد، (۱۳) فاضل مقداد سیوری، (۱۴) شیخ زین الدین علی بن هلال جزایری، (۱۵) شیخ علی بن عبد العالی کزکی عاملی، (۱۶) نصیر الدین حسین بن مفلح صیمری، (۱۷) مفلح بن حسن صیمری، (۱۸) شهید ثانی، (۱۹) شیخ بهایی، (۲۰) میر داماد.

فایده سوم، در بیان رموز فقهای راسخ در علم و رموز اسامی ائمه معصوم - صلوات الله علیهم - مؤلف، در این بخش، رموزی را که در کتاب‌های فقهی و حدیثی دانشمندان شیعه برای رعایت اختصار، به کار رفته، ذکر می‌کند که این رموز، به شرح زیرند.

رمز

قال صلّى الله عليه وآله

رسول خدا

قال عليه السلام (مطلقاً)

رسول خدا

احدهما

امام محمّد باقر علیه السلام یا امام جعفر صادق علیه السلام

ابو جعفر

امام محمّد باقر علیه السلام

ابو الحسن الأوّل

امام موسی کاظم علیه السلام

ابو الحسن الثانی

امام رضا علیه السلام

ابو الحسن الثالث

امام هادی علیه السلام

فقیه یا عبد صالح

امام موسی کاظم علیه السلام

ص

امام صادق علیه السلام

ق

امام باقر علیه السلام

ض	امام رضا <small>علیه السلام</small>
رئيس المحدثين	محمد بن علی بن بابويه (شيخ صدوق)
ثقة الإسلام	محمد بن يعقوب كليني
شيخ الطائفة	محمد بن حسن طوسي
علی الأشهر	مشهورتر است در روایات
علی الأظهر	ظاهرتر است در فتوا
علی الأشبه	آن چیزی که دلالت می‌کند بر اصول مذهب از عمومات و اطلاقات در دلایل
علی الأصح	احتمال ندارد در نزد آن مجتهد غیر مذکور
علی الأحوط	عمل به آن، احوط است و یقین حاصل می‌شود
علی الأكثر	اکثر قوم، به آن راضی شده‌اند
علی الأنسب	همان معنای «الأشبه» را دارد
علی الأولى	ترجیح دادن یکی از دو قول را به دیگری یا یکی از دو احتمال را به آن دیگری، به وجهی از وجوه
تردد	آن است که معارضه کنند در آن، دو دلیل و مرجحی نباشد که بتوان یکی را بر دیگری ترجیح داد.
علی قول	این قول را دلیلی ظاهر نیست
علی قول المشهور	مشهور است در میان فقها و دلیلش ظاهر نیست
شیخ	شیخ طوسی
شیخین	شیخ ابو جعفر و شیخ مفید
ثلاثة	شیخ ابو جعفر و شیخ مفید و سید مرتضی
خمسة	شیخ طوسی و شیخ مفید و سید مرتضی و ابن بابویه و فرزندش شیخ صدوق
علم الهدی	سید مرتضی
متأخر	ابن ادریس
ع	شیخ علی بن عبدالعال کزکی
علامة	علامة حلّی
محقق	محقق حلّی (صاحب شرائع)

ط	شیخ طوسی
ض	سیّد مرتضی علم الهدی
ف	شیخ مفید
ی	راوندی
ع	عماد الدین ابن حمزه (صاحب الوسيلة)
س	ابن ادريس
ب	ابو الصلاح حلبی
ق	ابن ابی عقیل عمّانی
یه	کتاب النهایة شیخ طوسی
ط	المبسوط شیخ طوسی
یب	تهذیب الأحکام شیخ طوسی
یر	السراثر ابن ادريس
فی	الکافی کلینی
یح	شرائع الإسلام
عد	قواعد الأحکام علامة حلی
کره	تذکرة الفقهاء علامة حلی
ی	المستمسک <sup>۱</sup>

«خاتمه: در نکت متفرّقه، بر سیل موعظه، چنان که لازمه و اعظان است».

این بخش، مفصل ترین قسمت کتاب است و مؤلف که حرفه اصلی وی و عظمی بوده، در این قسمت، مطالبی را به تفصیل در پند و اندرز و نصیحت مؤمنان آورده است. او خاتمه کتابش را به دوازده مطلب تقسیم نموده که سرفصل های آن چنین است:

۱. در شناخت و معرفت حق - جلّ و علا-؛

۱. منظور، کتاب المستمسک بحلّ آل الرسول ﷺ تألیف ابو محمد حسن بن علی بن ابی عقیل عمّانی است. این کتاب از بین رفته و نسخه ای از آن تاکنون شناسایی نشده است. (الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۱۷، ص ۲۸۰).

۲. در ثبوت نبوت حضرت پیامبر ﷺ؛
  ۳. در ثبوت امامت امیر المؤمنین ﷺ؛
  ۴. در امامت ائمه اثنا عشر ﷺ؛
  ۵. در تعریف و توصیف اولاد امجاد ائمه ﷺ؛
  ۶. در تعریف و توصیف علمای دین و سالکان راه یقین؛
  ۷. در قدر و منزلت کاسبان؛
  ۸. در سلوک شوهر با زن و سلوک زن با شوهر؛
  ۹. در حق پدر و مادر؛
  ۱۰. در ظاهر شدن علامات آخر الزمان؛
  ۱۱. در مذمت دنیای غدار؛
  ۱۲. در تأسفات مؤلف از وضع مسلمانان و خطیبان عصر خود؛
- چون شرح حال شیخ بهایی و میرداماد در این کتاب، از جمله مطالب منحصر و با ارزش آن است و مؤلف، معاصر آنها بوده است، لذا این دو شرح حال از کتاب، در این جا نقل می شود:

### شرح حال شیخ بهایی

نوردهم: الشيخ الأعزّ الأُمجد الأکرم العالم الفاضل العامل الکامل، آفتاب فلک شریعت، بدر آسمان حقیقت، جامع المعقول و المنقول، حاوی الفروع و الأصول، مستجمع الکمالات و منبع السعادات، آن که زبان قلم از تعریف و توصیف او قاصر، و فطانت و ذهن و ذکای او از تصانیف شریفش لایح و ظاهر است، محیی شریعت نبوی و هادی طریقت مرتضوی، بلبل بوستان فصاحت و گلبن چمن ملاحمت، فخر العجم و العرب، و هو کالبدر المنیر بین الأمم، الغریق الی بحار رحمة الله الملك الأمجد، المغفور المرحوم المبرور، شیخ بهاء الدین محمّد، ابن جناب معقرت مآب و غفران اکتساب، العالم الفاضل شیخ عبد الصمد الکَرَکی العالمی است، و آن بزرگ دین و هادی راه یقین، بزرگ و استاد بود در علوم ظاهره و علوم باطنه و علوم غریبه، و عارف بود به علم فقه و رجال و حدیث، و دانا بود در علم ادبیه از نحو و صرف و معانی و تفسیر، و در مراتب معقولات از منطق و فنون حکمت از الهی

و ریاضی و طبیعی، استاد و کامل بود، و شکفته و بشاش و خندان بود. و مصنفات در لغت عربی و فارسی و اشعار، بسیاری از آن ستوده فعال حمیده خصال، بر صفحه روزگار، یادگار است، و از جمله تصانیف عربی که از آن بزرگ دین است، کتاب: مشرق الشمسین، جبل المتین، صمدیه در نحو، مفتاح القلاح، کتاب اربعین، اثنا عشریه صلاتیه و صومیه و زکاتیه و حجّیه است.

و آنچه در فارسی تصنیف نموده است، کتاب جامع هبامی است که حسب فرموده پادشاه جم جاه کیوان بارگاه، کلب آستان علی بن ابی طالب علیه السلام، شاه عباس جنت مکان علّیین آشیان، تصنیف نموده است و به نام نامی آن بهشت مکان، شهرت دارد و رساله نان و حلوا و کتاب گشکول و غیر هم؛ و فتاوی بسیاری از آن بزرگ دین فی زماننا هذا، در میان شیعیان، شهرت دارد که بر آن عمل می نمایند و حواشی، بر حلّ مشکلات کتاب متقدّمین و متأخّریین نوشته است و سن شریفش هفتاد و شش یا هفتاد و هفت است و در دار السلطنه اصفهان، به رحمت ایزدی پیوست و نعش مطهرش را در مشهد مقدّس و روضه منور امام ضامن، علی بن موسی الرضا - علیه آلف التحیه و الثناء -، دفن کردند - نور الله مرقده و جعل الجنة مسکنه -.

### شرح حال میر داماد

«بیستم: السید الکامل و السند الفاضل العالم العامل، زیده سلالة مصطفوی و تقاوة دودمان مرتضوی، شمع جمع سیادت و نجابت، و حدیقه باغ فصاحت و بلاغت، بلبل بوستان افادت و افاضت، گلبن گلستان حقیقت و معرفت، العالم لله و الکامل فی الله، الفریق فی بحار رحمة الملك القادر، المفقور المبرور، میر محمد باقر، المشهور به داماد - قدّس الله روحه العزیز - است. حقاً و ثمّ حقاً که زبان خامه، از تعریف و توصیف آن بزرگ دین، قاصر است و علم و کمال و صلاح و تقوی او، بر عالمیان ظاهر است. فضیلتش به مرتبه ای بود که فضلی روزگار در مدحش احسنت گویان بودند و صلاحیتش به درجه ای رسیده بود که صلحای عصر، در توصیفش طریق مدح را پویان بودند؛ و از تصانیف، آنچه از آن بزرگ دین مشهور است، کتاب قیسات و کتاب هراط المستقیم است و تصانیف دیگر نیز غیر از آنها دارد و حواشی بسیار بر حلّ مشکلات کتب متقدّمین و متأخّریین نوشته است و بر حلّ مشکلات [کتاب] من لا یحضره الفقیه، حاشیه نوشته و رمزش «م ح ق» است؛ یعنی محق و حقاً که محقّ و محق بوده است.

و صلاحیتش به مرتبه ای بود که از جنس پوست، احتیاط می کرد، نمی پوشید و پوست



سیاه و کیبود و سرخ بخارایی [را] که مذبوح... است، میته می دانست و رُخوتی که می پوشید، می فرمود که با ریسمان می دوختند و می فرمود که به آب دهن، تَر نکنند. مع هذا، رخوتی که از برای او می دوختند تا خود به نفس نفیس خود به آب نمی کشید، نمی پوشید.

و اشعاری که از آن پسندیده خصال، یادگار است، به مرتبه‌ای دقیق است که فصحا و بلغای روزگار، در حلّ عبارتش متحیرند.

و ادبش به مرتبه‌ای بود که یک روزی در مدرّس خود، در حینی که به درس طلبه علوم دینیه مشغول بوده است، اظهار کوفت زانو و عروض مفاصل می کند. طالب علمانی که در مدرّس حاضر بودند، وجه کوفت استفسار می کنند، می فرماید که: «بنده در مدّت عمر خود، پا دراز کرده نخواییده‌ام». وجه پا دراز نکردن را پرسیدند. می فرماید که: «به هر طرف که پای دراز کنم، حق - جلّ و علا - حاضر است، و بنده را در خدمت مولای خود، پا دراز کردن و خوابیدن، بی ادبی است».

و ذکر اوصاف آن مرضیه الفعّال، در این مختصر گنجایش ندارد و سنّ شریفش هشتاد سال متجاوز بود و در سفر خیز اثر بغداد، در کاروان سرایی که مابین نجف اشرف و کربلای معلّست، به رحمت ایزدی پیوست و بنا بر وصیّت، آن بزرگ دین [را] در نجف اشرف دفن کردند - نور الله مرقده و جعل الجنة مسکنه -.

### نسخه‌های کتاب

تاکنون دو نسخه از کتاب تحفة الإخوان، با خصوصیات زیر، شناسایی شده است:

۱ - نسخه کتاب خانه آیه الله مرعشی، به شماره ۱۸۳۳ این نسخه به خط ریز

تحریر شده، به طوری که در اغلب موارد، قرائت عبارت‌ها سخت و دشوار است و اغلاط زیادی نیز در آن به چشم می خورد.

۲ - نسخه کتاب خانه آیه الله گلپایگانی، به شماره ۱۳۰ / ۳۴ / ۶۷۶۰ این نسخه، به

قلم درشت و به خط کاتب کم سوادى تحریر شده که در اغلب موارد، شکل کلمات را

کشیده و بدین سبب، اغلاط فاحشی در نسخه مشاهده می شود.<sup>۱</sup>

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج ۵، ص ۲۱۷.

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ

شکر و سپاس ثنا و حمد و ستایش ما لایحی مرد است و این بود در آن است که با هر کاف و نون  
مانسوی ذات معشر خود کتم عدم صبرای و خود آورد همضمون بدانت مشحون  
وان سن بشی الایسبح مجید و لکن لایفقهون تسبیحهم و تسبیح و  
و تملیل و تمجید خود در اندیشه و قرب و نزدیکیتر خود در طاعت و عبادت  
و بندگیندگان خود نهاد بسعد و فضل خدای که تواند شما کرد یکسیت آنکه  
شکر یکی از نماز که در این لطیف که معشرش کاینات خدین هزار صورت  
الوان نگار کرد و در بر در نشان و ادبی خوشی ماه و انجم و لیل و  
نهار کرد مسما که حسد بنوع زمین بد و نیز تا فرشتگان که بر آسمان  
استوار کرد جل جلاله و عم نواله و عظیمش نه و درود فرشته و روم بر این  
الله و طیب علة کناه آنکه لولا که لها خلقت الافلاک در شان او و انکه

و بهمیگر منتقل میشود تا آنکه توفیق جلد و عیال بنظر رحمت بخواننده  
 این کرسی نگاه میکنند و از آن منتقل میشود و فرمود که هر که این  
 کرسی بر قنبر بخواند حق جلد و عیال بر او میگذرد و بخواننده  
 میگرداند و بر خواننده شورش شعله پنجه که امت میفرماید  
 و بعد بر مرفی فرشته خلق میکند و از برای خواننده استغفار  
 میکند تا روز قیامت فرمود که هر کس که مداومت کند  
 باین کرسی در غیبت بر نماز فریضه از فقر و درویشی درمان  
 میشود و بخلق روزگار همت و کوشش و در بیخ هزار در بیخ که ما  
 قدر این ثوابت عظمی نداشته و این همه ثواب فیض و  
 رحمت مفت و رایگان از دست گذاشتیم و نترسد ز همت  
 کشیم و نامه اعمال او را از سببت پر کردیم و شکر بزرگی  
 بردیم سبحان رب العزیز عما یصغون و سلام علی المرسلین  
 و الحمد لله رب العالمین تمت رساله تحفته الاخوان

*[The main body of the document contains approximately 18 lines of highly dense and heavily faded handwritten text. The ink is mostly black, but the text is extremely faint and illegible due to the quality of the scan. The script appears to be an early form of Urdu or Persian.]*

*[A small handwritten mark or signature at the bottom left corner.]*

سینه که در این کتاب است که در هر روز از آن بخورد و در وقت که در آن  
 و آن روز که در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن  
 از آن کتاب است که در هر روز از آن بخورد و در وقت که در آن  
 غنای کند بهر روز و در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن  
 از قصه را در این کتاب است که در هر روز از آن بخورد و در وقت که در آن  
 استغفار میکند و در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن  
 صورتی که در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن  
 بر روی او که در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن  
 بر سینه کند و در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن  
 که در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن  
 در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن  
 ما خانه و در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن  
 اعلام او که در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن  
 بنده را و در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن  
 ز سوره آنکه در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن  
 میکند آن روز که در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن  
 در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن  
 روز که در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن  
 شنیدم و نام مرا که در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن  
 فرقیست بنده را و در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن

این کتاب در هر روز از آن بخورد و در وقت که در آن  
 فرقیست بنده را و در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن  
 شنیدم و نام مرا که در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن  
 فرقیست بنده را و در وقت که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی